

نقش مردم در پیروزی و نصرت جبهه حق

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غریب‌ان روزبهانی*

اشاره

مفهوم «نصرت» و «پیروزی» جبهه حق در منظومه معرفتی قرآن، مقوله‌ای فراتر از برابند صرف موازنه تجهیزات نظامی و محاسبات مادی است. پیروزی در این چارچوب، وعده‌ای الهی و مشروط به اراده و عمل کنشگران مؤمن است. تبیین این سنت، نیازمند درک عمیق از پیوند ناگسستنی میان «تکلیف الهی» و «حضور اجتماعی» است. تحولات جاری پیش‌روی همگان اثبات می‌کند که جبهه حق بدون حضور فعال و سازمان‌یافته توده‌های مردم، امکان استقرار و بسط اراده خویش را نخواهد داشت.

این نوشتار به دنبال واکاوی این حقیقت است که چرا جهاد و دفاع در منطق قرآن، بدون پشتوانه مردمی عقیم می‌ماند؟ نگاه تقلیل‌گرایانه که جنگ را فقط در تقابل فناوری‌ها و تسلیحات خلاصه می‌کند، از درک عنصر تعیین‌کننده یعنی «اراده مردم» غافل است. جبهه حق تنها زمانی در مواجهه با نظام سلطه به ثبات قدم و نصرت دست می‌یابد که ایمان، تقوا و استقامت مردم را به مثابه ارکان نرم‌افزاری قدرت خود تعریف کرده باشد. این مقاله با اتکا به منابع دینی در پی تبیین نقش بی‌بدیل مردم در تحقق نصرت الهی است. فرضیه اصلی نوشتار این است که حضور مردم نه یک عنصر حاشیه‌ای، بلکه ابزار اصلی بسط ید ولی و مجرای تحقق مشیت الهی در پیروزی است.

۱. مردم، رکن جهاد و دفاع

تحلیل مبانی و حیانی نشان می‌دهد که قوام و استمرار فریضه جهاد و دفاع در گرو مشارکت فعال توده‌های مردم و حفظ روحیه پایداری جمعی است. قرآن با نفی هرگونه سستی، ترس و وادادگی

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در مواجهه با جبهه باطل، جامعه ایمانی را به ایستادگی فعال مکلف می‌کند؛ از این رو می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ»^۱ پس سستی نکنید و [از روی ضعف] به صلح دعوت نکنید، در حالی که شما برترید و خدا با شماست».

افزون بر نهی از سستی، پایداری جمعی در هنگام تلاقی با دشمن، به مثابه دستورالعملی راهبردی و زمینه‌ساز فلاح معرفی شده است که ثبات قدم جمعی را با ذکر کثیر پیوند می‌زند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی [از دشمن] روبرو شدید، پایداری کنید و خدا را بسیار یاد نمایید؛ باشد که رستگار شوید».

همچنین قرآن کریم عقب‌نشینی و فرار از جبهه نبرد را جز در موارد استثنایی و تاکتیکی، گناهی بزرگ و مستوجب خشم الهی می‌داند تا اهمیت حیاتی حفظ انسجام صفوف مردمی را نمایان کند: «وَمَنْ يُؤَلِّهْمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»^۳ و هر کسی در آن روز به آنان پشت کند ...، به خشم خدا گرفتار شده است».

برایند اشارات و حیانی اثبات می‌کند که حضور فعال عامه مردم در کنار برخورداری از روحیه مقاومت، شجاعت و پایداری، ارکان سازنده پیروزی در مواجهه نظامی، جهاد و دفاع به شمار می‌روند. در مقابل، ابتلا به آفاتی همچون ترس، کاهلی و بی‌تفاوتی اجتماعی، بنیادهای دفاعی جامعه را متزلزل می‌سازد و حتی در صورت انباشت ابزارهای مادی و تجهیزات نظامی، سقوط و شکست نهایی جبهه حق را رقم خواهد زد.

۲. سنت نصرت الهی در جنگ

یکی از بنیادی‌ترین اصول نظری در تحلیل قرآنی پیرامون پدیده جهاد، سنت «نصرت الهی» است. بر اساس این قاعده الهی، پیروزی نهایی جبهه حق صرفاً برآیند محاسبات مادی و توازن ابزار نظامی نیست، بلکه فرایندی است که در بستر اراده توحیدی و قوانین تکوینی پرورده‌گار محقق می‌شود. در این نگرش، نقش آفرینی کارگزاران مؤمن شرط لازم قلمداد می‌شود؛ اما علت تامه و منشأ اصلی غلبه بر دشمن، فضل و نصرت خداوند است که تنها با فراهم‌شدن بسترهای ایمانی نازل می‌گردد.

۱. محمد: ۳۵.

۲. انفال: ۴۵.

۳. انفال: ۱۶.

بر اساس منطق دفاعی قرآن، اصل حاکمیت اراده خداوند بر مقدرات جنگ، امری قطعی و تردیدناپذیر است. قرآن با نفی اصالت قدرت‌های مادی، خاستگاه پیروزی واقعی را به اراده ربوبی پیوند می‌زند: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»^۱ و پیروزی جز از جانب خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم نیست».

در همین چارچوب و بر مبنای توحید افعالی، قرآن کریم فرایند کنشگری در میدان نبرد را فراتر از پدیدارهای فیزیکی تحلیل می‌کند و دستاورد مجاهدان را به مشیت و قدرت بالاصاله الهی ارجاع می‌دهد: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۲ شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت؛ و هنگامی که تیر افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند».

این آیه دلالت می‌کند که تلاش و مجاهدت کارگزاران جبهه حق، مجرای تحقق اراده الهی است و نباید به کبر و غرور ناشی از فزونی نفرات یا تجهیزات بینجامد. تکیه بر ابزار مادی بدون پیوند معنوی، آفت پایداری در میدان است.

مصدق تاریخی برجسته برای سنت نصرت الهی، نبرد بدر است که در آن جامعه نوپای اسلامی با وجود عسرت و ناتوانی مادی، در سایه امداد الهی به پیروزی دست یافت: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ»^۳ و به یقین خدا شما را در بدر یاری کرد، در حالی که ناتوان بودید». این رخداد تاریخی گواهی می‌دهد که نصرت الهی می‌تواند ضعف‌های ساختاری و تجهیزاتی جبهه حق را در مواجهه با دشمنان مستکبر جبران کند و موازنه قدرت را به نفع مؤمنان تغییر دهد.

۳. مردم، مجرای تحقق نصرت الهی

در مهندسی قدرت اسلامی، حضور فعال جامعه مؤمنان، مجرا و ابزار تحقق نصرت الهی به شمار می‌رود. خداوند متعال تحقق وعده پشتیبانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به واسطه حضور توده‌های باایمان مقدر فرموده است؛ ازاین‌رو در کتاب الهی آمده است: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^۴ و اگر بخواهند [در زمینه صلح و

۱. آل عمران: ۱۲۶.

۲. انفال، ۱۷.

۳. آل عمران: ۱۲۳.

۴. انفال: ۶۲.

آشتی] تورا بفریبند، به یقین خدا تورا بس است؛ اوست کسی که تورا با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند کرد».

این بشارت قرآنی به روشنی اثبات می‌کند که کفایت الهی برای پیامبر در صحنه اجتماع، از طریق یاری مؤمنان تجسم می‌یابد.

حضور توده‌ها و بیعت پیوسته آنان، شرط لازم برای تحقق و استقرار عینی نهاد رهبری و حاکمیت دینی است. در تحلیل ساختار ولایت، حضور کارگزاران مردم، قوام‌بخش حاکمیت ولی است؛ چراکه بدون همراهی و خواست جامعه، امکان بسط ید امام وجود نخواهد داشت. شاهد تاریخی این مدعا، محرومیت بیست و پنج ساله حضرت علی علیه السلام از جایگاه حاکمیت سیاسی در صدر اسلام است. حضور نیافتن فعال و منسجم توده‌ها در میدان مطالبه حق، مانع از استقرار عملی حاکمیت الهی گردید؛ اما پس از حضور همه‌جانبه و بیعت بی سابقه مردم، زمینه اعمال ولایت و تشکیل حکومت عدل علوی فراهم شد.

بنابراین حضور آگاهانه مردم، بنیادی‌ترین عامل در فعلیت‌بخشیدن به امامت و ولایت است. بر همین اساس، هرچه مشارکت و پابندی جامعه به اهداف والای نظام اسلامی در عرصه‌های گوناگون افزون‌تر باشد، امکان و توان بسط ید ولی فقیه در هدایت جامعه و دفع فتنه‌ها بیشتر خواهد بود. اصل مردم‌سالاری دینی نیز بر پایه همین پیوند وثیق میان اراده مردم و هدایت الهی ولی استوار شده است.

۴. شرایط تحقق نصرت الهی

تحقق عینی نصرت الهی منوط به رعایت شروط و سنن مشخصی است که جامعه ایمانی را در زمره مشمولان امداد غیبی قرار می‌دهد. این امداد نه پدیده‌ای تصادفی، بلکه نتیجه انطباق کنش اجتماعی با موازین وحیانی است. نصرت الهی نیازمند شروطی است که در صورت تحقق آنها، نصیب جبهه حق خواهد شد.

۴-۱. ایمان و تقوا

در منطق قرآن، نصرت الهی همه انسان‌ها را دربر نمی‌گیرد، بلکه به جبهه ایمانی اختصاص دارد. ایمان مهم‌ترین پیوند میان انسان و امداد الهی است و جامعه‌ای که بر پایه ایمان حرکت کند، زمینه دریافت یاری خداوند را فراهم می‌آورد. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۱

بی تردید خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند». همچنین در آیه ای دیگر آمده است: «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست». بر این اساس، ایمان صرفاً یک باور ذهنی نیست، بلکه نیرویی است که افزون بر مقاوم کردن انسان در میدان های سخت، او را شایسته نصرت الهی می کند.

۲-۴. صبر و استقامت

قرآن کریم صبر و پایداری را از مهم ترین عوامل نزول امدادهای الهی معرفی می کند. جامعه ای که در میدان جنگ دچار ترس، اضطراب و شتاب زدگی شود، از نصرت الهی محروم خواهد شد؛ اما استقامت و ایستادگی زمینه پیروزی را فراهم می آورد. خداوند می فرماید: «بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۲ آری، اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و آنان به سرعت بر شما هجوم آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد». همچنین در جای دیگر می فرماید: «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳ و خدا با شکیبایان است». بنابراین در نگاه قرآن، صبر تنها تحمل سختی نیست، بلکه به معنای ایستادگی آگاهانه، حفظ روحیه و استمرار مقاومت در مسیر حق است.

۳-۴. یاری دین خدا

یکی دیگر از مهم ترین شرایط نصرت الهی، حمایت مردم از دین خدا و قیام در راه حق است. قرآن کریم رابطه ای متقابل میان نصرت خدا و نصرت بندگان برقرار می کند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۴ ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می سازد». مقصود از یاری خدا در این آیه، یاری دین الهی، دفاع از حق، مقابله با ظلم و تلاش برای برقراری عدالت است. بنابراین جامعه ای که در مسیر حق حرکت کند و برای تحقق ارزش های الهی تلاش داشته باشد، مشمول وعده نصرت الهی خواهد شد.

قرآن همچنین تأکید می کند که خداوند به یقین یاور کسانی است که دین او را یاری می کنند:

۱. روم: ۴۷.

۲. آل عمران: ۱۲۵.

۳. بقره: ۲۴۹.

۴. محمد: ۷.

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ و به یقین خدا کسی را که او را یاری کند، یاری خواهد کرد؛ بی تردید خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است».

در مجموع، سنت نصرت الهی یکی از ارکان اساسی منطق قرآن در جنگ و جهاد است. بر اساس این سنت، پیروزی نهایی تنها در گرو تجهیزات و توان ظاهری نیست، بلکه به ایمان، صبر، تقوا و یاری دین خدا وابسته است. بنابراین قرآن کریم، جنگ را عرصه پیوند میان تلاش انسانی و امداد الهی می‌داند؛ عرصه‌ای که در آن جبهه حق در صورت پابندی به شرایط الهی، از نصرت و پشتیبانی خداوند برخوردار خواهد شد.

۵. تأکید قائد شهید بر نقش و حضور مردم

در تحلیل‌های راهبردی رهبر شهید، پیروزی در معادلات قدرت جهانی صرفاً تابع برتری کمی و تجهیزات مدرن نظامی نیست. ایشان با درک عمیق از ماهیت نبردهای مدرن و فرسایشی، بر این باور بودند که در عرصه جنگ‌های نامتقارن، آنچه توازن میدان را به نفع جبهه حق تغییر می‌دهد، نه لزوماً حجم تجهیزات نظامی، بلکه عنصر انسانی و اراده ملی است؛ بر این اساس در یکی از دیدارها فرمودند: «در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند، هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد».^۲

ابزار اصلی آمریکا برای تضعیف اراده ملی، جنگ روانی است؛ دشمن با بزرگ‌نمایی تهدیدها سعی در تغییر محاسبات مسئولان و مردم را دارد؛ اما رهبر شهید با درک این واقعیت که ملت ایران ریشه در ارزش‌های متعالی و تجربه تاریخی پرافراز و فرود دارد، تأکید می‌کردند که این ملت با تکیه بر عزت ملی از این چیزها نمی‌هراسد. ایشان ایستادگی را رمز امنیت ملی می‌دانستند و معتقد بودند که هرگونه عقب‌نشینی، اشتباه دشمن را برای گستاخی بیشتر باز می‌کند. رهبر شهید در توصیف این ویژگی ممتاز ملت ایران و تبیین فرجام این مقاومت، چنین می‌فرمایند: «ملت ایران در مقابل مطامع آمریکا محکم سینه سپر کرده، ایستاده و خواهد ایستاد و آنها را از مودی‌گری و اذیت‌کردن مأیوس خواهد کرد. ملت ایران را نباید از این چیزها ترسانند؛ ملت ایران، تحت تأثیر این حرف‌ها قرار نمی‌گیرد».^۳

۱. حج: ۴۰.

۲. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.

۳. بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.

در منظومه فکری رهبر شهید، مقوله ایستادگی و مقاومت مردم تنها یک تاکتیک مقطعی یا شعار سیاسی زودگذر نیست، بلکه هویت راهبردی و روش دائمی ملت ایران در مواجهه با نظام سلطه است. ایشان با نگاهی عمیق به ماهیت تقابل میان جمهوری اسلامی و آمریکا، همواره بر این نکته پافشاری داشتند که آنچه دشمن را در رسیدن به اهداف خود ناکام می‌گذارد، روحیه سلحشوری و سینه‌سپر کردن در برابر مطامع غیرقانونی استکبار است. در تحلیل راهبردی ایشان، این ایستادگی نه واکنشی منفعلانه، بلکه کنشی آگاهانه و پیش‌دستانه است که دشمن را از رسیدن به مقاصد شوم نومید می‌کند. این ایستادگی در واقع خط بطلانی است بر تمام تلاش‌های دشمن برای ایجاد فضای رعب و وحشت.

این تحلیل و پیش‌بینی راهبردی بیان‌کننده حقیقتی ملموس است؛ زمانی که دشمن درمی‌یابد ابزارهای فشار او از تحریم گرفته تا هیاهوی رسانه‌ای کارساز نیست و با ملتی مواجه است که اراده‌اش در برابر فشارها سست نمی‌شود، چاره‌ای جز عقب‌نشینی یا پذیرش واقعیت اقتدار ایران نخواهد داشت. ایستادگی ملت در واقع همان پادزهر مؤثری است که کیان جمهوری اسلامی را در برابر توطئه‌های پیچیده بیمه کرده است. این مقاومت از نگاه رهبر شهید، آینده کشور را تضمین می‌کند و دشمن را در نهایت، ناامید از رسیدن به اهداف خود باز می‌گرداند.

ملت ایران در نگاه رهبر شهید، تنها یک جمعیت سیاسی نیست، بلکه امتی مؤمن و آماده فداکاری است که هرگاه خطری کشور را تهدید کند، به اراده الهی بیدار و مبعوث می‌شود: «چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث و کار را مردم تمام خواهند کرد».^۱ این دیدگاه حکایت از ایمان عمیق ایشان به مردم و ظرفیت بی‌نظیر حضور آنان در صحنه‌های خطر داشت؛ ظرفیتی که بارها در طول انقلاب، دفاع مقدس، فتنه‌ها و حوادث مختلف تاریخی اثبات شده است.

۶. ایفای نقش مردم، از حضور در خیابان تا تشیع بی‌نظیر

جنگ در معادلات پیچیده کنونی تنها در میدان نظامی محدود نمی‌ماند. پیروزی در این صحنه، حاصل هم‌افزایی سه ضلع میدان نظامی، دستگاه دیپلماسی و حضور اجتماعی مردم است. خیابان در منظومه سیاسی انقلاب اسلامی، نه یک فضای عمومی ساده، بلکه عرصه تجلی قدرت اجتماعی و جبهه پشتیبان برای نهادهای حاکمیتی است. مردم با حضور مستمر و آگاهانه

۱. بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.

خود در خیابان، پشتوانه راهبردی نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماسی را تأمین می‌کنند. این حضور، پیام صریحی به دشمن است که ساختار سیاسی کشور، منحصر در دولت و نیروهای نظامی نیست، بلکه متکی بر امت بیداری است که در لحظات سرنوشت‌ساز، ستون فقرات اقتدار نظام محسوب می‌شود.

اما ایفای نقش مردم در ابعاد کلان‌تر، در پدیده‌هایی نظیر «تشیع بی‌نظیر» پیکرهای مطهر و راهپیمایی‌های میلیونی به اوج خود می‌رسد. تشیع بی‌نظیر امام شهید، فراتر از یک آیین سنتی یا ابراز احساسات صرف، نمایشی راهبردی از وحدت کلمه و تجدید بیعت با آرمان‌های نظام اسلامی بود. ملت در این عرصه‌ها با حضوری حماسی، تمامی معادلات ذهنی دشمن را درباره میزان مقبولیت و مشروعیت نظام بر هم می‌زند. این حضورهای انبوه در واقع قدرت‌نمایی نرم جمهوری اسلامی در برابر فشارهای روانی و تحریم‌های استکبار است.

دشمن با درک این واقعیت که حضور مردم در خیابان، مانع اصلی نفوذ و ایجاد شکاف است، همواره می‌کوشد این عرصه را با جنگ روانی، تحریف و بزرگ‌نمایی مشکلات هدف قرار دهد؛ با این حال، تداوم حضور مردم در این میادین، به معنای خنثی‌سازی راهبردی توطئه‌هاست. از تجمعات هدفمند خیابانی تا تشیع میلیونی، همگی نشان‌دهنده آن است که امت مبعوث میدان را رها نمی‌کند، بلکه با تبدیل این سرمایه اجتماعی به یک سرمایه سیاسی، مانع از پیشروی باطل می‌شود و اقتدار ملی و در نتیجه امنیت پایدار را تضمین می‌کند.

این نوشته را با سخنانی از قائد شهید به پایان می‌بریم که چکیده تمام مباحث پیش‌گفته است؛ ایشان در بیانی حکیمانه فرمودند: «وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله مبارزه با استکبار مطرح می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است "إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ"؛^۱ وعده داده است که "وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ"؛^۲ وعده داده است که "إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا"؛^۳ وعده داده است که "وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَنَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ"؛^۴ اگر خدا را نصرت کنید، خدا به شما

۱. محمد: ۷.

۲. حج: ۴۰.

۳. حج: ۳۸.

۴. رعد: ۱۷.

ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد. آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است. "إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ"؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد.^۱

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳.
۳. بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.
۴. بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.
۵. بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱. بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

